

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

پنجم شعبان ۱۴۴۵ مطابق با ۱۴۰۲/۱۱/۲۶

ميلاد فرخنده چهارمین خورشید ولایت سید السّاجدين (صلوات الله و سلامه عليه)

را به پیشگاه پیامبر اسلام و اهل بیت طاهرینش به ویژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (سلام الله علیهم اجمعین) و همه دوستداران و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و پیروی راه آن حضرت را از خدای مَنّان مسئلت دارم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُتَهَجِّدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ الْعَارِفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ وَصَايَا الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضَوْءَ الْمُسْتَوْحِشِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْمُجْتَهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَاجَ الْمُرْتَاضِينَ

کلیم وادی طور الهی

سلام ای چارمین نور الهی

خدا می‌کرد با نامت مباحثات

تو آن شاهی که در بزم مناجات

تو را سجده گزاران می‌شناسند

تو را سجاده داران می‌شناسند

تو در زهد و ورع تنهاترینی

تو سجادی، تو سجاده نشینی

قال مولانا السّجاد(عليه الصلاة والسلام) في دعائه : « ... وَ ذُبْنِي عَنِ الْتِمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ. وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيراً، وَ لَا لَهُمْ عَلَى مَحْوِ كِتَابِكَ يَدَاً وَ نَصِيراً، ... وَ لَا تُحِبُّ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ » (دعای ۴۷ صحیفه سجادیه) « ... (خداوندا) آبرویم را از روانداختن به هریک از جهانیان نگاه دار، و از طلبیدن آنچه نزد فاسقان است بازم دار، و مرا پشتیبان ظالمان، و یاور و دستیارشان در از بین بردن کتابت مساز، (پروردگار!) کارهای نیک مرا به سبب معصیت و نافرمانی که (بعداً) با آنها آمیخته می‌شود، تباه مساز! ... » .

موضوع تدبر:

چه نکات تربیتی، موعظه یا تذکر به زبان دعا از لب های مبارک حضرت زین العابدین علیه السلام بیان گردیده که برای مردم، خصوصاً مسئولین حکومت، اعم از: روحانیون، مدیران ارشد نظام، کارگزاران، نظامیان و ...، حائز اهمیت فوق العاده است؟

پاسخ اجمالی:

امام سجاد(علیه السلام) اطاعت و فرمانبرداری از ظالم را، به منزله بی دینی شمرده و می فرماید: «کسی که لا اله الا الله (شعار توحید) بگوید، ادعا و اعتراف او به ملکوت آسمان بار نمی یابد، مگر زمانی که سخن خود را با عمل شایسته کامل گرداند و کسی که در برابر ظالم سر فرود آورد، بی دین است. (بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۰) بر این اساس سید الساجدین سیمای شیعه حقیقی را این گونه ترسیم کرده است: شیعه راستین ما کسی است که در راه اهداف و برنامه های ما جهاد و تلاش کند و با کسانی که بر ما ستم می کنند، درگیر شود و ظلم آنان را دفع کند، تا اینکه خداوند حق را از ستم پیشگان بازگیرد. (اصول کافی ج ۱، ص ۴۶۷)

تفصیل بیش تر مطلب این است که:

همانند حال و روز امروز غزه که نقاب از چهره واقعی شیطان بزرگ و اذنباش برداشت و نشان داد هر چه درباره حقوق بشر می گفتند بهانه هایی بود برای یورش بردن و تجاوز به حریم کشورهای دیگر و غارت ثروت و اموال آنها؛ روزی هم که بنی امیه چهره واقعی خود را زیر پرده ریا و نیرنگ مخفی کرده بودند، شهادت امام حسین علیه السلام تا حد بسیار زیادی از چهره آنها پرده برداشت و اسرار آنها را هویدا ساخت؛ همچنین اسارت امام سجاد علیه السلام و افشاگری حضرت، انسانیت امویان را زیر سؤال برد و کاملاً چهره منافق صفت آنها را آشکار نمود؛ امام سجاد علیه السلام در سرزنش مردم کوفه فرمود: «... فتبّا لما قدّمتم لأنفسکم و سوأة لرأیکم بأیة عین تنظرون إلی رسول الله صلی الله علیه و اله إذ یقول لکم قتلتم عترتی و انتهکتُم حرمتی فلستم من امتی؛ وای بر شما از آنچه برای آخرت خویش تدارک دیده اید! چه زشت و ناروا اندیشیدید. به کدام دیده به سوی رسول خدا صلی الله علیه و اله نظر خواهید نمود، آن گاه که در روز قیامت به شما خواهد گفت: شما عترت مرا کشتید و هتک حرمت من نمودید، پس شما از امت من نیستید؟» (بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۰). سخنان امام سجاد علیه السلام در کوفیان پشیمانی ایجاد کرد به طوری که از هرسو بانگ گریه مردم برخاست. فریاد برآوردند: ما فرمانبردار توایم و از تو نمی بریم و با هرکس که بگویی، پیکار می کنیم و با آنکه بخواهی، در آشتی به سر می بریم! یزید را می کشیم و از ستمکاران بر تو بیزاریم. امام که کوفیان را خوب می شناخت، فرمود: «هیّهات هیّهات أیّها الغدرة المکررة حیل بینکم و بین شهوات أنفسکم أتریدون أن تأتوا إلیّ کما أتیتُم إلیّ آبائی من قبل کلاً ... ای فریبکاران دغل باز، ای اسیران شهوت و آزامی خواهید با من هم کاری کنید که با پدرانم کردید؟ نه به خدا! هنوز زخمی که زده اید، خون فشان است و سینه از داغ مرگ پدر و برادرانم سوزان. تلخی این غم ها گلوگیر و اندوه من تسکین ناپذیر است. از شما می خواهم نه با ما باشید، نه بر ما» (أمالی، طوسی، ص ۵۴۷).

از روزهای قافله دلگیر می شوی	هر روز چند مرتبه تو پیر می شوی؟
در شام شوم زخم زبان ها چه می کشی؟	کز روشنای عمر خودت سیر می شوی
زخمیست لحظه های تو مانند پیکرت	از بس اسیر طعنه زنجیر می شوی

آیات صبح از لب قرآن شنیدنیست
در کوچه های شام که تکفیر می شوی

خون جگر که می خوری از دست درد و داغ
بی تاب بغض های گلوگیر می شوی

با آه آه روضه ما ای امام اشک
در هر نگاه آینه تکثیر می شوی

خون گریه می شوی تو و تا آخر الزمان
از چشم ها همیشه سرازیر می شوی

«وَذُنُّبِي عَنِ التَّمَّاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ؛» (پروردگارا!) مرا از دراز کردن دست نیاز به سوی اهل فسق و گناه نگهدار! بر اساس تعلیمات امام چهارم شیعیان و همچنین آموزه های قرآن انسان مسلمان هرگز به سوی اهل فسق و فجور و معصیت دست دراز نمی کند و از آنان استمداد نمی طلبد؛ چرا که آن گروه، مبعوض حضرت حق می باشند. امام سجاد علیه السلام در دعایی روح بخش به ما می آموزد که از خداوند بخواهیم ما را از التماس اهل فسق و گناه دور نگاه دارد؛ سیره عملی امام چهارم علیه السلام، و برخورد شدید آن حضرت با «محمد بن مسلم زهری» (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۵۰) محدث درباری این مطلب را به خوبی به ما درس می دهد. امام سجاد علیه السلام با توجه به سوابق سیاه زهری، نامه تند و کوبنده و در عین حال خیرخواهانه و بصیرت آفرینی به وی نوشت و خطاب به او فرمود: «خدا ما و تو را از فتنه ها نگاه دارد و تو را از آتش دوزخ حفظ کند. تو در حالتی قرار گرفته ای که هرکس این حالت تو را بشناسد، شایسته است به حال تو ترحم کند. نعمت های گوناگون خدا بر تو سنگینی کرده است. خداوند بدن تو را سالم و عمرت را طولانی کرده و حامل علوم قرآن، فقیه، آشنا به احکام دین و عارف به سنت پیامبر صلی الله علیه و اله قرار داده، پس حجت او بر تو تمام گشته است.... خداوند در برابر این نعمت ها شکر آنها را بر تو واجب کرده و تو را به این وسیله آزمایش کرده است.. ببین فردا که در پیشگاه خدا ایستادی و خداوند از تو پرسید که نعمت های او را چگونه شکر کردی و در برابر حجت های او چگونه به وظایف خود عمل نمودی، وضع تو چگونه خواهد بود؟ گمان نکن که خداوند عذر تو را خواهد پذیرفت و از تقصیرت در خواهد گذشت، هرگز! خداوند در کتاب خود از علما پیمان گرفته است که حقایق را برای مردم بیان کنند، آنجا که فرموده است: «لَتُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ كِتَابَ آسْمَانِي را برای مردم بیان کنید و کتمان نکنید-ال عمران/۱۸۷». بدان! کم ترین چیزی که کتمان کردی و سبک ترین چیزی که بر دوش گرفتی، این است که وحشت ستمگر را به آرامش تبدیل کردی؛ چون به او نزدیک شدی و هربار تو را دعوت کرد، اجابت نمودی و راه گمراهی را برای او هموار ساختی. چقدر می ترسم که بر اثر گناهانت، فردا جایگاهت با خیانتکاران یکی باشد و به خاطر آنچه به ازای همکاری با ستمگران به چنگ آورده ای، بازخواست شوی. چیزهایی را که حق تو نبود، وقتی به تو دادند، گرفتی و به شخصی نزدیک شدی که هیچ حقی را به کسی بازنگردانده است و هنگامی که او تو را به خود نزدیک کرد، هیچ باطلی را برطرف نکرد و کسی را که دشمن خدا است، به دوستی برگزیدی. آیا چنین نبود وقتی او تو را دعوت کرد و مقرب خود ساخت، مگر نمی بینی که تو را دعوت به همکاری با خود می کنند و استوانه آسیاب ستمگری خویش قرار می دهند و تو را پلی قرار داده اند که از روی آن به سوی کارهای خلافتشان عبور می کنند و نردبانی ساخته اند که از آن به بام گمراهی و ضلالتشان بالا می روند؟

... آنچه به تو داده اند، در مقابل آنچه که از تو گرفته اند، چقدر ناچیز و کم ارزش است! اینک ببین چقدر اندک است آنچه از دنیا برای تو آباد کرده اند و چقدر زیاد است آنچه از آخرت خراب کرده اند! بنگر چه می کنی و مراقب خویشتن باش و بدان که دیگری مواظب تو نخواهد بود. نفس خود را همچون یک شخص مسئول، مورد محاسبه قرار بده... گمان نکن که من می خواستم تو را سرزنش و نکوهش کنم، نه، خواستم خداوند اشتباهات گذشته تو را جبران کند و دین از دست رفته ات را به تو بازگرداند و در این کار، سخن خدا را یاد کردم که فرمود: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يُنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «تذکر بده؛ زیرا تذکر برای مؤمنان سودمند است-ذاریات/۵۵». (بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۰..) ... وقتی دنیا در مثل تو با این سنّ زیاد و علم فراوان و نزدیکی اجل اثر بگذارد و علاقمند به آن باشی، چطور می تواند کسی که جوان است و اطلاعی ندارد و بینش مختصری دارد و دارای خرد نیست، سالم بماند؟... دقت کن که چگونه سپاسگزار مربی و منعم خود هستی که از کوچکی تا بزرگی تو را مشمول نعمت خود قرار داده و چگونه بزرگ می داری کسی را که به وسیله دین خود تو را بین مردم شخصیت داده؟ این است سپاسگزاری تو در مقابل مأموریتی که داری؟! اییم آن دارم که چون آنها باشی که در این آیه می فرماید: أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا؛ آن گاه، پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از پیروی کردند، و به زودی (سزای) گمراهی (خود) را خواهند دید. مریم/۵۹» (سفینه البحار، حاج شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۵۷۳) تو را مأمور به انجام دستورات قرآن نموده و علم خود را به تو سپرده؛ ولی آن را ضایع کرده ای. خدا را سپاسگزارم که مرا از گرفتاری های تو سالم نگه داشته است. و السلام. «

همایی چون تو عالی قدر حرص استخوان تا کی دریغ آن سایه همت که بر نااهل افکندی

«وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا، وَلَا لَهْمٌ عَلَىٰ مَخْوِ كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيرًا» (خداوند!!) و مرا پشتیبان ستمگران مگردان و بر نابود کردن (احکام) کتاب خود، کمک ایشان قرار مده! «گاهی ممکن است انسان در اثر جهالت یا کینه و عناد با نظام اسلامی، مورد طمع دشمنان نظام اسلامی قرار گیرد و خواسته یا ناخواسته بازیچه نقشه های آنان باشد. گفتار و رفتار وی در راستای اهداف دشمنان اسلام و مستکبران جهان باشد و آنان بهره های تبلیغی از آن ببرند. به این جهت، همواره این دعا باید مد نظر باشد. امام سجاد علیه السلام: اَللّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ... اَنْ نَعْصِدَ ظَالِمًا اَوْ نَخْذُلَ مَلْهُوفاً اَوْ نَرُوْمَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ؛ خدایا به تو پناه می برم... از این که ظالمی را یاری کنیم و یا مظلوم و دلسوخته ای را بی یاور گذاریم و یا آنچه حق ما نیست بخواهیم. (صحیفه سجادیه، از دعای ۸) امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: اِيَّاكُمْ وَ صُحْبَةَ الْعَاصِيْنَ وَ مَعُوْنَةَ الظَّالِمِيْنَ وَ مُجَاوِرَةَ الْفَاسِقِيْنَ. اِحْذَرُوا فِتْنَتَهُمْ وَ تَبَاعَدُوا مِنْ سَاحَتِهِمْ؛ از همنشینی با گنهکاران و یاری ستمگران و همدمی با بدکاران بپرهیزید. از فتنه آنان برحذر باشید و از همنشینی با آنان دوری کنید. (روضة کافی، ص ۱۶) در حدیث است که: همنشینی با بدان، همچون زیستن در مغازه آهنگری است. اگر از جرقه های آتش کوره آهنگر، چیزی به روی تو نیفتد و لباس را نسوزاند، دست کم بوی دود آن جا، در تو تأثیر می گذارد و بوی دود می گیری (میزان الحکمه، حدیث ۲۴۷۳۶). این به معنای تأثیر مجالست و همنشینی است، چه با صالحان و چه با فاجران. ورود به حلقه دوستی با اهل گناه، آدمی را به گناه می کشاند. نشست و برخاست با ستمگران، انسان را شریک جرم آنان می سازد. مجاورت و همدمی با اهل فسق و فجور، تأثیر منفی بر اخلاق و روان می گذارد.

آرزو دارم اگر گل نیستم، خاری نباشم باربردار از ز دوشی نیستم، باری نباشم

گر نگشتم دوست با صاحب‌دلی، دشمن نباشم بوستان بهر خلیل از نیستم، ناری نباشم

گرچه نتوانم ستانم داد مظلومی ز ظالم باز این خواهم که همکار ستمکاری نباشم

هر چه انسان از اشرار و اهل گناه دوری کند، مصون تر است. ویروس گناه، انسان را بیمار و تباه می‌کند. انس و همنشینی با خلافکاران، انسان را اهل خلاف می‌کند. حضرت موسی علیه السلام وقتی به لطف خدا، با ظالمان دشمنی کرد و از مظلوم حمایت نمود، به خداوند قول داد به پاس نعمت های الهی، هرگز پشتیبان مجرمان نباشد: «فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ». (قصص، ۱۷). این از وصایای حضرت امیر علیه السلام در بستر شهادت نیز هست که به امام حسن و امام حسین علیه السلام و به همه کسانی که این وصیت را بشنوند، توصیه فرمود: خصم ظالم و یاور مظلوم باشید. (نهج البلاغه، نامه ۴۷): «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْماً وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْناً». هرگز مباد که همنشین گنهار، یاور ستمگر و همدم فاسق باشیم!

در بغض تو صد مرثیه تلخ و جگر سوز در نطق دلاویز تو صد پنجره فریاد

با این همه؛ آقا چه غریبی و چه تنها بی گنبد و بی بقعه و بی پنجره فولاد

«وَلَا تُحِبُّ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوْبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ؛ (پروردگار!) کارهای نیک مرا به سبب معصیت و نافرمانی که (بعداً) با آنها آمیخته می‌شود، تباه مساز!» آن حضرت در جای دیگری می‌فرماید: «وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْزِضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِكَ؛ (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷) و نیکی هایم را که مخلصانه در خلوت با تو انجام داده‌ام، در فتنه‌ها با وسوسه‌های شیطانی نابود نکن!» مضمون این سه فراز دعا (استمداد از اهل فسق، حرکت در راستای اهداف مستکبران ستمگر و خودباختگی در فتنه‌ها) حلقه‌های به هم پیوسته‌ای هستند که همواره نیروهای با سابقه و زحمتکش، به‌ویژه عالمان دینی، رزمندگان فداکار، سرداران تلاشگر و افسران جبهه‌های جنگ نرم و سخت اسلام و کفر را به شدت تهدید می‌کنند. فراز سوم، نتیجه دو حرکت قبلی است و از دو فراز قبلی مهم‌تر بوده و توجه بیش‌تری می‌طلبد. نگاهی به تاریخ صدر اسلام و دقت در فراز و نشیب های آن، ما را در این زمینه آگاه‌تر می‌کند. برخی از یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در همان فتنه‌های اول، خود را باخته و با ستمگران و اهل فسق همراهی کرده و تمام زحمات خود را به باد دادند. معاذ بن جبل (الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۶، ص ۱۰۹). از این دسته بود. او همواره پاسدار حریم اسلام و پشت سر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بود و افتخارات مهمی را در استقرار نظام اسلامی کسب کرده بود. او محدث روایت های مهمی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، فرستاده ویژه حضرت به یمن، عالم به حلال و حرام و از قاریان قرآن بود. در روایتی از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که فرمود: قرائت قرآن را از چهار نفر بخواهید. بعد یکی از آنان را معاذ بن جبل بر شمرد. اما معاذ بعد از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، پاسداری از حمله‌کنندگان به خانه حضرت زهرا علیها السلام را به عهده گرفت و در مظلومیت علی‌علیها السلام نقش برجسته‌ای ایفا کرد. (الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۱۴). او در حوادث دردناک بعد از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چنان خدمتی به مخالفین اهل بیت علیهم السلام کرد که گفته شد: اگر همکاری معاذ با

دستگاه خلافت نبود، اساساً متعرضین به خانه اهل بیت علیهم السلام در پیشبرد اهدافشان ناکام می‌شدند. (الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۶، ص ۱۰۹) برخی دیگر از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله مقاوم‌تر بوده و ایمان قوی‌تری داشتند و در پرتو آن، چند فتنه را با سربلندی گذرانده و در خط مستقیم اسلام ناب و پشت سر امام معصوم علیهم السلام خویش حرکت کردند؛ اما در فتنه‌های شدیدتر بعدی نتوانستند ایمان خود را حفظ کنند و با ذلت تمام به جمع مخالفین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوستند. زبیر بن عوام (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۰) و طلحه (دُرر الاخبار، ص ۲۲۶). از این گروه بودند. آن دو در فتنه‌های متعددی سرافراز شدند؛ اما در قضیه آغاز حکومت علی علیه السلام حب ریاست، آنان و همفکرانشان را وادار کرد تا فتنه‌ای به پا کنند که صدمات آن تا به امروز بر پیکر اسلام باقی است. به این جهت، امام صادق علیه السلام می‌فرمود: همواره این دعا را بخوانید: «يَا مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ؛ (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۷) ای خدایی که گردش دل‌ها در دست تو است، دل مرا در راه طاعتت و طاعت پیامبرت استوار و ثابت قدم بدار! پروردگارا! دلم را بعد از آنکه مرا هدایت کردی، از راه حق منحرف مگردان و از سوی خود، رحمتی بر من ببخش؛ زیرا تو بخشنده‌ای!»

ناگهان پر می‌کشی دریا به دریا می‌روی	آه ای ابر کرامت تا کجاها می‌روی...
بر نمی‌داری سرت را از بهشت سجده‌گاه	کس نمی‌داند که هستی یا ز دنیا می‌روی
آن‌چنان لبریزی از شور مناجات و دعا	کز حسیض خاک تا اوج تماشا می‌روی...
یک صحیفه نور می‌نوشت دلم تا با توام	من دلم می‌گیرد از این لحظه‌ها تا می‌روی
صبر کن ای چشم بیدار تماشا لحظه‌ای	آه... ما را هم ببر با خویش هرجا می‌روی...

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة